

## عمله‌ی اوکراین عبور از خط قرمز پوتین بود

در ساعات‌های اولیه ششم آگوست، یگان‌های ارتش اوکراین از مرز استان کورسک عبور کردند و در اقدامی غافلگیرکننده وارد خاک روسیه شدند و درنهایت پایان نابوی عملیات نظامی در خاک روسیه را رقم زدند. اهداف این حمله جاه‌طلبانه در کورسک هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و محل بحث است اما می‌توان گفت که تصمیم اوکراین برای حمله به روسیه، در سخره گرفتن خط قرمز ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و نگرانی غرب از تشدید درگیری‌ها موقف بوده است.

حملات تابستانی اوکراین-اتفاقات مهمی در جنگ کنونی به‌شمار می‌روند و نقطه عطفی تاریخی محسوب می‌شوند. از جنگ جهانی دوم این اولین باری است که یک ارتش خارجی به خاک روسیه حمله کرده. گزارش‌های اولیه نشان می‌دهند که این عملیات جاه‌طلبانه ماه‌هاست که به‌طور مخفیانه در حال برنامه‌ریزی بوده است. اوکراین توانست روس‌ها را کاملاً غافلگیر کند؛ نیروهای اوکراینی در اولین روزهای کمپین، ده‌ها کیلومتر در استان کورسک پیشروی کردند.

رهبران سیاسی و نظامی اوکراین تاکنون به‌طور قابل‌توجهی درباره این حمله مخفیانه کم‌حرف بوده‌اند و جزئیات بسیار کمی ارائه داده‌اند. به‌هر حال می‌توان تعدادی از اهداف آنها را شناسایی کرد.

اشکارترین هدف اوکراین احتمالاً کاهش فشار نظامی در جنوب و شرق کشور است؛ جایی که روسیه به‌آرامی اما به‌طور پیوسته در ماه‌های اخیر پیشرفت کرده است. فرماندهان اوکراینی معتقدند با حمله به مرزی که حفاظت چندانی وجود نداشت و تصرف خاک روسیه، می‌توانند کرملین را مجبور کنندسربازان خود را از خط مقدم جنگ در اوکراین خارج کند تا آنها را برای دفاع از خود روسیه دوباره اعزام کند.

این حمله همچنین فرصت‌هایی را برای اوکراین به‌وجود می‌آورد تا پس از یک سال عملیات دفاعی هزینه‌بر و بی‌حاصل اینکاز نظامی خود را دوباره به‌دست آوردند. مدت‌هاست که مشخص است اوکراین نمی‌تواند واقعاً آمیدوار باشد تا برنده جنگی فرسایشی در مقابل روسیه بسیار پنهان‌تر و ثروتمندتر باشد. بهترین شانس کی‌یف برای موفقیت نظامی در بازگشت به تحرکات جنگی است که به فرماندهان اوکراینی اجازه می‌دهد از مهارت‌های نسبی خود و بهره‌برداری از روندهای دست‌وپاگیر تصمیم‌گیری ارتش روسیه استفاده کنند. این همان چیزی است که اوکراین با حمله به استان کورسک به‌دست آورده است.

در روان‌شناسی، کشاندن جنگ به خانه در روسیه به اوکراین اجازه می‌دهد تا ضربه محکمی به روحیه دشمن زده شود. پیشرفت‌های ارتش اوکراین در استان کورسک ترس و واهمه‌ای را در سراسر مناطق اطراف گسترش داده و تلاش‌های پوتین برای جلوگیری از حمله به اوکراین و ایجاد اختلال در زندگی روزمره مردم عادی روسیه موفقیت‌آمیز نبوده است.

پیشرفت اوکراین در خاک روسیه تبعات قابل‌توجهی برای تعابیر عمومی از این جنگ دارد؛ باور گسترده‌ای که جنگ روسیه به‌بن‌بست رسیده را مستقیماً به‌چالش می‌کشد و دیگر این میدان جنگ نیست که نتیجه آن را مشخص می‌کند. از آن مهم‌تر، نشان‌دهنده توخالی بودن خطوط قرمز ولادیمیر پوتین و حماقت تأکید غرب بر مدیریت تشدید درگیری است.

از زمان حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، ترس از تشدید درگیری مانع واکنش‌های بین‌المللی شده است. چندین نشانه وجود دارد که نگرش متحدان غربی اوکراین بالاخره در حال تغییر است. اتحادیه اروپا پیش‌قدم شد و پتر تانو سخنگوی کمیسیون اروپا در واکنش به حمله فرامرزی اوکراین به استان کورسک می‌گوید، اوکراین در دفاع از خود، حتی در خاک روسیه، حق قانونی دارد. برلین هم به‌همین شیوه واکنش نشان داد و وزیر خارجه آلمان در بیانیه‌ای حق دفاع از خود اوکراین را محدود به خاک خود نمی‌داند. واکنش‌های بین‌المللی در حمایت از اوکراین خبر خوبی برای این کشور است اما مقامات کی‌یف هم به‌خوبی می‌دانند که برای آماده کردن زمینه جهت شکست نهایی پوتین، اقدامات بیشتری لازم است. ولودیمیر زلنسکی در سخنرانی خود در ۱۱ آگوست به این موضوع اشاره کرد و بازمی‌گوید که از کشورهای غربی خواست تا محدودیت‌های خودمبنی بر حملات دوربرد علیه اهداف نظامی روسیه را کاهش دهند. تا زمانی که این اتفاق نیفتد، مسکو توانایی خود برای درهم‌کوبیدن شهرهای اوکراین را حفظ خواهد کرد و پوتین دلیل بسیار کمی برای پایان دادن به این جنگ خواهد داشت.



هدی شریف

روزنامه‌نگار

**ترجمه: یاسمن طاهریان / محمد ابوالقمصان**
تا همین دیروز پدر دو فرزندى بود که سه روز از دنیا آمدن‌شان گذشته بود. او روز گذشته آپارتمان‌شان را در دیرالبلاح ترک کرد تا برای دختر و پسرش، آیسال و آسِر، گواهی تولد بگیرد. اما زمانی که خارج از خانه بود، تماس تلفنی را دریافت کرد مبنی بر اینکه بر اثر حمله هوایی اسرائیل، خانه‌شان مورد هدف قرار گرفته، فرزندانش به‌همراه همسرش، جومانا که ۲۸ ساله بود، کشته شده‌اند. همسر ابوالقمصان داروساز بود و دوقلوهایشان در میان حداقل ۲۳ نفری بودند که بر اثر حملات اسرائیل در آن منطقه کشته شدند. به‌گفته وزارت بهداشت فلسطین، از آغاز جنگ اسرائیل دست‌کم ۱۱۵ نوزاد در غزه کشته شده‌اند.

یونیسف، آژانس کودکان سازمان ملل هشدار داده است که جنگ بی‌رحمانه در غزه وحشتی را در دل هزاران کودک ایجاد کرده و تخمین می‌زند بیش از ۱۴ هزار کودک کشته شده‌اند و دست‌کم ۱۷ هزار کودک دیگر از خانواده‌های خود جدا و آواره شده‌اند.

بمباران خانه ابوالقمصان کمی پس از بمباران مدرسه التابعین در مرکز غزه اتفاق افتاد که جان بیش از ۱۰۰ نفر از آوارگان را گرفت و انتقادهای جامعه بین‌المللی را برانگیخت؛ پناهگاهی که حتی یک نظامی حماس هم در آن حضور نداشت. هدا شریف، روزنامه‌نگار مجله نیولاینز است که برای گزارشی به‌سراغ نجلا خاص، هم‌هنگ‌کننده پناهجویان فلسطینی در نیویورک رفته و با داستان سعید، جهان و حنان، فرزندان خانواده الاشی آشنا شده است که پس از هفتم اکتبر توانسته‌اند از غزه فرار کنند و فصل جدیدی از زندگی خود را در آمریکا، جایی که مادرشان زندگی می‌کرد، در پس کاپوس‌ها و وحشت‌های به‌جای مانده از ۱۰ ماه گذشته آغاز کنند.

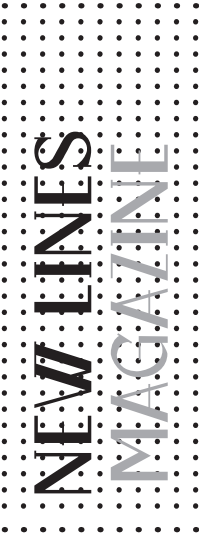
سعید، ۱۶ ساله، جهان، ۱۵ ساله و حنان، ۱۲ ساله، پسر و دختران خانواده الاشی هستند که تا همین ۹ ماه پیش در غزه به مدرسه می‌رفتند و روتین زندگی خود را می‌دانستند. جهان و حنان دوست داشتند هنرمند شوند. آنها حالا آرزو دارند زبان انگلیسی‌شان خوب شود، مثل مادرشان رانندگی کنند و پزشک شوند تا بتوانند جان مردم غزه را نجات دهند.

پدر و مادر آنها از هم طلاق گرفته‌اند. بچه‌ها با پدرشان در غزه زندگی می‌کردند و مادرشان، دینا مسعود، در استتن آیلند در آپارتمانی یک‌خوابه کوچک و اجاره‌ای به‌همراه همسر جدید و فرزند نوزادشان، نکته مهم اینجاست که دینا شهروند آمریکا بود. در نوامبر، شوهر سابق دینا که درخواست کرده ناشناس بماند، با دینا تماس می‌گیرد و از او می‌خواهد تا مدارک لازم را به سفارت آمریکا در مصر برد تا او و فرزندان‌شان را از غزه خارج کنند. دینا نگران روند خروج آنها بود، می‌دانست که سفر به گذرگاه رفح بسیار خطرناک است. دینا با کمک نجلا خاص، ۴۳ ساله، هم‌هنگ‌کننده پناهجویان فلسطینی در نیویورک، تصمیم گرفت خطر کند تا خانواده‌اش از غزه خارج شوند؛ او می‌دانست این تصمیمی است که فرزندان کوچکش را در رویارویی مستقیم با ارتش اسرائیل و «دستورات بی‌رحمانه»شان قرار می‌دهد.

پس از فرمان ارتش اسرائیل مبنی بر تخلیه شمال غزه و انتقال به جنوب، سعید، جهان و حنان در ماه دسامبر به همراه پدر و اعضای خانواده، به‌همراه یک میلیون فلسطینی دیگر خانه خود در شمال غزه را ترک کردند. آنها چند هفته در مدرسه ابتدایی عبدالله‌بن رواحه در نزدیکی دیرالبلاح پناه گرفتند و منتظر دینا ماندند تا به مصر برسد. در این مدرسه هر خانواده در یک کلاس درس که شامل شش تخت دونفره کوچک بود، ساکن شدند.

آنها چسبیده به‌هم می‌خوابیدند. حنان می‌گوید، مردها در جهت مخالف یکدیگر می‌خوابیدند تا پاهایشان روی‌روی صورت دیگری باشد. بعضی‌ها روی میز یا فقط با یک پتوی نازک روی زمین می‌خوابیدند. حنان هر روز صبح زود بیدار می‌شد تا در صف طولانی دستشویی‌ها بایستد. چالشی هرروزه که معمولاً ۲ تا ۳ ساعت طول می‌کشید. آب کمی در لوله‌ها باقی مانده بود و کودکان زیر وحشت همیشگی بمباران‌ها زندگی می‌کردند. کمک‌های آژانس امدادرسانی و کاریبای برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک یا آنسروا و کامیون‌های حامل موادغذایی در گذرگاه رفح در جنوب و در مرز بیت حنون در شمال اجازه ورود به غزه را پیدا نکردند. حنان بسته‌ای از بیسکویت اورپو را که روی زمین پیدا کرده بود زیر بالش‌اش قاچم کرده بود و هر شب کمی از آن را گاز می‌زد. چند هفته بعد، خانواده الاشی سفر خود را به سمت رفح آغاز کردند؛ جایی که تعداد بسیار کمی از فلسطینی‌ها توانستند مجوز بگیرند و از مرز وارد مصر شوند.

جهان می‌گوید: «فقط دو روز پس از ترک مدرسه، اسرائیل آن را بمباران کرد.» او بعداً گفت: «ما نجات پیدا



### محمد ابوالقمصان تا

### همین دیروز پدر دو فرزندی بود که سه روز از دنیا آمدن‌شان گذشته بود. او روز

### گذشته آپارتمان‌شان را در دیرالبلاح ترک کرد تا برای دختر و پسرش، آیسال و آسِر، گواهی تولد بگیرد. اما زمانی که خارج از خانه بود، تماس تلفنی را دریافت کرد

### مبنی بر اینکه بر اثر حمله هوایی اسرائیل، خانه‌شان مورد

### هدف قرار گرفته،

### فرزندانش به‌همراه

### همسرش، جومانا که ۲۸ ساله بود،

### کشته شده‌اند. همسر

### ابوالقمصان داروساز

### بود و دوقلوهایشان

### در میان حداقل ۲۳

### نفری بودند که بر

### اثر حملات اسرائیل

### در آن منطقه کشته

### شدند. به گفته وزارت

### بهداشت فلسطین، از

### آغاز جنگ اسرائیل

### دست‌کم ۱۱۵

### نوزاد در غزه کشته

### شده‌اند. یونیسف،

### آژانس کودکان

### سازمان ملل هشدار

### داده است که جنگ

### بی‌رحمانه در غزه

### وحشتی را در دل

### هزاران کودک ایجاد

### کرده و تخمین می‌زند

### بیش از ۱۴ هزار

### کودک کشته شده‌اند

### و دست‌کم ۱۷ هزار

### کودک دیگر از

### خانواده‌های خود جدا

### و آواره شده‌اند

کردیم. نمی‌دانم که این موضوع ما را خوش شانس می‌کند یا نه.»

جهان و حنان صحنه مواجهه با تانک‌های بزرگ اسرائیلی در جاده صلاح‌الدین، شاهرگ شمال به جنوب را که به مرز رفح منتهی می‌شود با وحشت توصیف می‌کنند. این اولین باری بود که سربازان اسرائیلی را با چشمان خود می‌دیدند و جهان تپش قلبش را به‌یاد دارد: «اینجا، دست بزن!» و دست مرا روی قلبش می‌گذارد. خواهرها داستان تعداد اجسادى را تعريف کردند که در سراسر جاده اصلی به سمت مرز رفح رها شده بودند. جهان می‌گوید هر باری که چشمش به چشمان خواهرش می‌افتاد ضربان قلبش بالا می‌رفت: «نمی‌توانستم تحمل کنم اتفاقی برای حنان یا سعید یا بابا بیفتد.»

جهان اغلب اوقات در نقش مادرانه و محافظت از خواهر کوچک‌ترش فرو می‌رود؛ غریزه طبیعی که به کودکی‌شان برمی‌گردد که بدون مادرشان بزرگ شده‌اند. آن روز در ماشینی که چسبیده به‌هم نشسته بودند، تپش قلبش با داستان عرق کرده و ذکر دلواپسانه‌ای آیه‌های قرآن همراه بود. جهان می‌گوید: «ما دستان‌مان را در هوا نگه داشتیم، پارچه‌های سفید را تکان دادیم و در چشمان (سربازان اسرائیلی) نگاه نمی‌کردیم. ما باید به جلو زل می‌زدیم.» او ادامه می‌دهد: «اگر می‌خواستیم زنده بمانیم باید این کار را می‌کردیم.» خواهرها تقریباً هم‌زمان گفتند: «بعضی‌ها عبور می‌کردند، بعضی‌ها نه.»

در گذرگاه رفح، افسر مصری تبار به‌آنها اطلاع داد که پدرشان اجازه ورود به مصر را ندارد. چون او از دینا جدا شده بود و دیگر عضوی از فامیل در جه یک محسوب نمی‌شد پس اجازه عبور از مرز را نداشت. پدر فرزندنش را به‌آغوش کشید و از یکدیگر خداحافظی کردند. آنها نمی‌دانستند که دوباره کی می‌توانند یکدیگر را ببینند.

در مصر، کودکان الاشی و دینا یک ماه را در الوراق، منطقه‌ای از غزه در نزدیکی قاهره ماندند، از این هتل به آن هتل رفتند. به‌محض آنکه تمام مدارک لازم برای ورود به آمریکا آماده شد، در ۸ ژانویه توانستند به نیویورک پرواز کنند. در این سفر طولانی، تنها چیزی که دخترها به آن فکر می‌کردند، غزه بود: کی دوباره می‌توانند شش‌های ساحل محبوب‌شان را لمس کنند؟ جایی که بادیادک‌های سفیدشان را با دوستان‌شان پرواز می‌دادند و غروب خورشید را تماشا می‌کردند که بارقه‌ای از قرمز و صورتی پرنگ را نقاشی می‌کرد یا کی دوباره می‌توانند به آن شیرینی‌فروشی بروند که بستی انبه موردعلاقه‌شان را می‌فروخت. سعید بیشتر از همه نگران بود که کی دوباره می‌تواند پدرش را ببیند و حالا که آنها از آنجا رفته‌اند چه کسی از پدرش مراقبت می‌کند.

به‌گفته ویوین عبدالله، رئیس کمیته راهبری در شبکه سلامت ذهن آمریکا-فلسطین، ادامه کمپین بمباران‌های اسرائیل در غزه نگرانی‌های شدید کارشناسان تروما در سراسر جهان خود را نسبت به اثرات ویرانگر این جنگ بر «نسل‌های بعدی خانواده‌های فلسطینی» به‌همراه داشته است. گروهی از کارشناسان سلامت ذهن در این شبکه، اشغال اسرائیل را دلیل اصلی بحران سلامت مردم فلسطین و اسرائیل می‌دانند. هنگام نگارش این گزارش تعداد فلسطینی‌هایی که توانسته‌اند غزه را ترک کنند مشخص نیست درحالی‌که این روند به‌طور فزاینده‌ای گران و هزینه‌بر شده است. آنروا تخمین می‌زند که نزدیک به یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر یا حدود ۹۰درصد از جمعیت در داخل غزه جا‌به‌جا شده‌اند.

نجلا الطماوی خاص سال ۱۹۸۰ در شجاعیه، بزرگترین منطقه شهر غزه به‌دنیا آمده است؛ همان جایی که اولین انتفاضه در دسامبر ۱۹۸۷ رخ داد. شورش و حملات نظامی مرگبار در سپتامبر ۱۹۸۸، این منطقه را از بین برده است. پدر و مادر نجلا به نیوجرسی رفتند جایی که نجلا و ۵ خواهر و برادرش بزرگ شدند.

نجلا به‌یاد دارد که ارتش اسرائیل در دوران اولین انتفاضه، به خانه هر کسی که مشکوک به نقض قوانین منع رفت و آمد بود، حمله می‌کردند. فلسطینی‌ها برای مقاومت ردهای خود را در خیابان‌های شنی و آسفالت‌نشده باقی می‌گذاشتند. سربازان اسرائیلی این ردهاها را دنبال می‌کردند و به خانه‌ای که منتهی می‌شد حمله می‌کردند و ساکنان را مجبور می‌کردند

# قربانیان خردس

## ترومای سیاسی در فلسطین

کفش‌هایشان را نشان دهند. اگر کودکان را دستگیر می‌کردند آنها را بازداشت و در دادگاه نظامی اسرائیل محاکمه می‌کردند. یا اینکه در بازداشت‌های طولانی نگه داشته می‌شدند. بر اساس پرونده‌های ارتش اسرائیل، نرخ محکومیت در این دادگاه‌ها بالاتر از ۹۹درصد است.

نجلا می‌گوید: «آنها همیشه دنبال پسر بچه‌های کوچک بودند. هدف آنها همیشه این بود که آنها را انسان‌زدایی کنند. الان تمام تاکتیک‌های آنها را برای ترساندن درک می‌کنم.»

وقتی با نجلا برای نوشیدن قهوه نشستیم، با صدایی آرام گفت: «یک روز، چشمانم حرف خواهند زد. آنها خواهند گفت که وحشت واقعی را دیده‌اند. بهتر از هر چیزی که می‌توانید تصور کنید. گوش‌هایم شنیده‌اند. سینه‌ام احساسش کرده‌اند. آنچه در غزه اتفاق می‌افتد

برای من بسیار واقعی است.» چشم‌هایش به گوشه‌های دور خانه‌اش خیره شده بود که در طول مکالمه‌مان خاطره‌هایی از ارتش اسرائیل را یادآوری می‌کرد. خانواده نجلا هم‌اکنون در یکی از کمپ‌های آوارگان سراسر غزه پناه گرفته‌اند. خانه کودکی او که پدر و مادرش ساخته بودند در یکی از حملات هوایی اسرائیل در ماه نوامبر ویران شده است.

نجلا از زمانی که به نیویورک آمده روزهای خود را وقف خدمت تمام‌وقت به هماهنگی پناهندگان با «کمک‌های دایره اسلامی آمریکای شمالی» می‌کند؛ سازمان امدادرسانی مسلمانانی که به قربانیان جنگ و نجات‌یافتگان از بحران، خدمات می‌دهد که اکثرآ از فلسطین، لیبی، سودان و عراق هستند.

طبق گزارش‌های یونیسف، بحران سلامت ذهن برای فلسطینی‌هایی که در غزه زندگی می‌کنند قبل از هفتم اکتبر هم حاد بود. از سال ۲۰۰۶، اسرائیل غزه را محصور کرده بود، هر کسی و هر کالایی که از این منطقه وارد یا خارج می‌شد، تا ثبت‌نام جمعیت و تخصیص روزانه برق. این حصار تمام نسل‌هایی را شکل داد که در چرخه پرتکرار خشونت، تهاجم نظامی، حملات هوایی و آزادی حرکت به‌شدت محدود بزرگ شده‌اند. حتی خیلی قبل‌تر از جنگ فعلی، غارتگری‌های ارتش اسرائیل و همچنین نظارت و کنترل همیشگی‌اش تبعات جدی برای مردم غزه داشته است. تخمین‌های یونیسف نشان می‌دهد که دست‌کم ۵۰۰هزار کودک در غزه به کمک‌های روانی-اجتماعی نیاز فوری دارند.

سزار حکیم، روان‌شناس بالینی است که در زمینه ترومای کودکان و بزرگسالان تخصص دارد. علاوه بر خدمات او در حیفا او در دانشگاه گلاسکو هم تدریس می‌کند. او پیش از این مدیر بالینی مرکز راهنمایی و آموزش برای کودکان و خانواده‌ها در بیت‌لحم بود. او بیماری‌ها را در مان می‌کند که اختلال استرس ناشی از آسیب‌های روحی ادامه‌دار یا PTSD دارند؛ شرایطی که به‌گفته او در میان سطوح مختلف تروما «به‌شدت منحصر‌به‌فرد» است و به‌طور موروثی در تمام تجربیات فلسطینی‌ها ریشه دارد.

سزار حکیم می‌گوید: «فلسطینی‌ها مدت‌هاست که با خطرات مکرر روبه‌رو بوده‌اند. بدون هیچ سیستم محافظتی برای هضم تجربیات‌شان، آنها دوباره وارد چرخه قربانی‌شدن می‌شوند.» در فلسطین این چرخه یک واقعیت است. تهدید همچنان وجود دارد. همیشه وجود داشته است. این درد مزمن بین نسل‌ها تنها هوایی است که کودکان غزه در آن نفس کشیده‌اند.

جهان، سعید و حنان را برای اولین‌بار در خانه نجلا در